

نقش زکات در سیاست جنایی اسلام

محمد مهدی صابری

دانش پژوه دکتر

چکیده

دین مبین اسلام به دلیل جاودانگی و جامعیت، دارای بر نامه مشخص و استراتژی مُدوّن جهت مواجهه با جرم می باشد. مجموع این توصیه ها و دستورات و برنامه های شرعی، تشکیل دهنده سیاست جنایی منسجم اسلامی می باشد. زکات نیز به عنوان یک عبادت مالی و یکی از واجبات فقهی از جمله نهاد های تأمینی دین مبین اسلام است که آیات و روایات فراوانی در خصوص فلسفه تشریح، موارد مصرف، مستحقین زکات و نقش آن در عدالت اقتصادی جامعه وارد گردیده است.

مقاله حاضر با استناد به مجموع این نصوص دینی برجسته سازی کارکردهای زکات از منظر سیاست جنایی، در صدر تبیین نحوه تأثیر گذاری و ایفای نقش زکات در مواجهه با پدیده جرم می باشد.

کلید واژه: زکات، سیاست جنایی، فلسفه تشریح، مستحقین زکات.

مقدمه :

اسلام به عنوان آخرین دین آسمانی و کامل ترین ادیان، دارای جامع ترین برنامه و دستورات برای تمام نیازهای فردی و اجتماعی بشر است. به باور ما یکی از عرصه هایی که مورد توجه جدی دستورات الهی است، عرصه اجتماعی و چگونگی اداره جامعه و حکومت است. اداره صحیح و پی ریزی یک جامعه سالم و عاری از هرگونه انحراف و فساد و جرم که هدف نهایی آموزه های اجتماعی اسلام است، نیز بدون توجه به پدیده جرم و افراد مجرم که با انجام اعمال مجرمانه، همواره درصدد ضربه زدن به سلامت جامعه هستند، ممکن نخواهد بود. در دانش امروزی، عالمان علوم اجتماعی و مطالعات حقوقی تمام تمهیدات و تصمیمات و توصیه ها پیرامون پدیده مجرمانه را در مجموعه ای از علوم بنام علوم جنایی، مورد بحث و مطالعه قرار می دهند. علوم جنایی با بهره گیری از دستاوردهای علمی و تجربیات بشری در تمام شاخه های علوم، کنترل و مقابله با جرم را در جوامع انسانی دنبال می نماید. سیاست جنایی یکی از مهمترین شاخه های علوم جنایی است که امروزه با گسترش علوم جنایی، اهمیت زیادی یافته است. سیاست جنایی همچون سایر علوم در جریان تحولات و تطورات علم، دچار تحولات شگرفی در تعریف و تبیین اصول و قواعدش گردیده است. سیاست جنایی با سپری کردن دوران تعریف محدود و مضیق، امروزه از تعریفی موسع و گسترده، جهت شمول اقدامات مواجهه با جرم، بهره می گیرد.

از سویی دیگر زکات به عنوان یک نهاد دینی و تکلیف فردی، مورد توصیه و تاکید ویژه اسلام می باشد. این نهاد عبادی از یک جهت هدف عالی قرب الهی را دنبال نموده و واجد جنبه عبادی فردی است و از سویی دیگر به دلیل ارتباط و تاثیر مستقیم آثار و احکام آن در جامعه، واجد یک حیثیت اجتماعی می باشد. لحاظ این نگاه ویژه اسلام به نهاد و تکلیف زکات در کنار این باور که تمام احکام دینی دارای مصالح و مفاسد واقعی بوده و ترتب این مصالح و مفاسد، علت وضع و تشریح احکام است، موجب پیدایش این سوال می گردد که

نهاد زکات به عنوان یک فریضه دینی فردی، چه تأثیرات و کارکردهای اجتماعی می‌تواند داشته باشد؟ ایجاد جامعه سالم و عاری از هرگونه کج رفتاری که هدف شارع مقدس است، آیا در تشریح زکات از سوی شارع لحاظ گردیده است یا خیر؟ آیا رابطه و ارتباطی میان تکلیف زکات و کنترل نرخ جرم و بزهکاری در جامعه می‌تواند وجود داشته باشد؟ این سوال که در واقع مطالعه نهاد دینی زکات از زاویه اجتماعی است، روشن‌گر نقش زکات در سیاست جنایی اسلام و چگونگی تأثیر آن در مواجهه با جرم خواهد بود.

با توجه به این نکات، نوشتار حاضر با تعریف زکات و سیاست جنایی اسلام و سپس ترسیم جایگاه زکات در معارف اسلامی و توضیح و تشریح آثار اجتماعی زکات، ارتباط میان این آثار و مواجهه با جرم و کج روی و هدف مندی این ارتباط از سوی شارع مقدس را به اثبات خواهد نشست.

الف: مفهوم شناسی

زکات

زکات در لغت: زکات در لغت به معنی «نمو» و «طهارت» است. مقایسه اللغه، زکات را دال بر «نماء» و «زیادت» دانسته و همچنین دلالتش بر «طهارت» را محتمل دانسته است.^۱ النهایه نیز می‌نویسد: اصل زکات در لغت «طهارت» و «نماء» و «برکت» و «مدح» است.^۲

زکات در اصطلاح

زکات اسم است برای آن سهم معینی از مال که خداوند در اموال اغنیا برای فقرا و سایر امور خیریه قرار داده است حال بنابراین که حقیقت شرعیه را بپذیریم این اطلاق، حقیقی خواهد بود و گرنه مجازی^۳. البته برخی دیگر از علما و مفسرین^۴، احتمال این که زکات در

اصطلاح شرعی، معادل معنای مصدری و به معنی تطهیر مال به وسیله انفاق باشد را نیز داده اند که در نتیجه ی این مبنی، زکات در اصطلاح شرعی به معنی مطلق انفاقات در راه خدا بوده و هم شامل زکات واجب و هم شامل زکات مستحب می گردد.

بنابر این زکات اصطلاحی که در شرع منظور است، هم می تواند به معنی « نمو » و « زیادت » باشد و هم می تواند بر معنی « تطهیر » و « اصلاح » دلالت نماید. لذا کسی که زکات مالش را پرداخت می کند، با زکات دادن به فقرا، مالش را ازدیاد بخشیده، بوسیله جلب خیر و برکت که در زکات دادن است و همین طور مالش را از کثافات و آلودگیها پاک گردانیده است و در همین معنی، روایاتی وارد شده است. چنانکه معصوم علیه السلام فرمودند: همانا این مال از صدقه چرک دست مردم است. و به همین دلیل هم بر بنی هاشم حرام شده تا مقام عالیشان مورد احترام قرار گیرد.^۵

سیاست جنایی (criminal policy) :

سیاست جنایی که یک واژه مرکب از دو کلمه « سیاست » و « جنایی » یک ترکیب اضافی را تشکیل می دهد، چنانکه در مقدمه گذشت تعاریف زیادی را به خود دیده است. فارغ از تعریف لغوی هریک از اجزاء ترکیب سیاست جنایی که مفید فایده ای در تحقیق ما نیست، تعاریف سیاست جنایی را می توان به یک تعریف موسع و یک تعریف مضیق تقسیم بندی نمود.

سیاست جنایی که برای اولین بار توسط حقوق دان آلمانی فوئر باخ در کتاب « حقوق کیفری » به کار گرفته شد در تعریف ابتدایی و مضیق اش به مجموعه شیوه های سرکوب گرانه ای که دولت با توسل به آنها علیه جرم واکنش نشان می دهد، اطلاق می گردیده است.^۶ تعریف مضیق دارای چند ویژگی است. اقدامات از جنس سرکوب گرانه است و خشن. متصدی این اقدامات، دولت و نهاد اجتماعی است. اقدامات علیه جرم صورت می گیرد. پیش گیری از جرم هیچ جایگاهی در این تعریف ندارد.

در تعریف موسع سیاست جنایی باید گفت برخلاف حقوق جزا که جرم یک تعریف خاص داشته و به اعمالی که شامل فعل و ترک فعلی می باشد که در قانون، پیش بینی مجازات برایشان شده، اطلاق می گردد، اما در سیاست جنایی و جرم شناسی منظور از پدیده مجرمانه و جرم، مطلق انحراف و ناهنجاری است نه فقط ناهنجاری خاص که در قانون برایش پیش بینی مجازات شده باشد. این توسعه موضوعی مرهون تلاشها و نظریات علمی اندیشمندان این علم است. با ظهور مکاتب فلسفی و کیفری بعد از جنگ جهانی دوم، مارک آنسل سیاست جنایی را علمی معرفی می کند که علاوه بر مواجهه با جرم، به دنبال مواجهه با انحراف و کج روی و ناهنجاری نیز می باشد و در این مسیر توجه ویژه ای به پیش گیری از جرم دارد.^۷ آنسل در این تعریف علاوه بر توسعه در مفهوم موضوع یعنی جرم، متصلدی این اقدامات را نیز از دولتی بودن خارج نموده و در واقع سیاست جنایی را یک واکنش اجتماعی در مقابل جرم می داند. همچنین پیش گیری را که امروزه یکی از ارکان تعریف سیاست جنایی را تشکیل می دهد، وارد در تعریف سیاست جنایی می نماید.

یکی از صاحب نظران علم سیاست جنایی، خانم دلماس مارتی سیاست جنایی را چنین تعریف می کند: مجموعه روشهایی که جامعه به وسیله آن پاسخهای خود به پدیده مجرمانه را سازمان دهی می کند.^۸

دکتر قیاسی در تعریف سیاست جنایی نوشته است: سیاست جنایی کلیه تدابیری است که در مقابله با جرم و انحراف توسط دولت و جامعه اتخاذ می گردد.^۹ اقدامات و روشها نیز لزوما دارای ماهیت کیفری و همین طور تصدی گری دولتی نداشته و شامل تمام اقدامات کیفری و غیر کیفری، توسط نهادهای دولتی و غیردولتی می گردد.

پیش گیری (prevention):

عمده ی تدابیر غیر کیفری سیاست جنایی شامل اقدامات پیشگیرانه می شود. پیشگیری یکی از سیاستها و تدابیر بنیادین در حوزه کنترل اجتماعی به شمار می آید که شامل تمام اقدامات و راهکارهای مستقیم و غیر مستقیم بازدارنده از بزه، انحراف و کژروی می باشد^{۱۰}. بدلیل وسعت و گستردگی تعریف پیشگیری که می تواند مشتمل بر هر اقدام و کنشی گردد، جرم شناسان برای این که اقدام یا رفتاری از جمله اقدامات پیشگیرانه محسوب گردد، معیارهای چهار گانه ای را تعریف و تعیین کرده اند که عبارتند از : ۱- اقدامی پیشگیرانه محسوب می گردد که هدف نخستین آن تضمین پیشگیری از بزهکاری یا انحرافات جرم گونه باشد ۲- تدابیر پیشگیرانه همواره واجد جنبه جمعی هستند ۳- اقدامات پیشگیرانه قبل از تحقق بزه یا کژروی اعمال و اتخاذ شوند نه بعد از آن ۴- جنس و ماهیت اقدامات پیش گیرانه غیر سرکوبگر و سزاده باشد^{۱۱}.

از آنجا که ارائه این معیارهای چهارگانه محدودیتهایی برای شمول عنوان پیش گیرانه بر، برخی اقدامات و خروج آنها از داخل این عنوان را موجب گردیده و از سویی دیگر نیز پیش گیری از وقوع جرم ، غایت نهایی تقریبا تمام اقدامات کیفری و واکنش های کیفری بعد از وقوع جرم می باشند ، امروزه جرم شناسان با الغاء برخی از این معیارهای چهارگانه ، تعریف موسعی از پیشگیری ارائه می دهند که براین اساس ، تمام اقدامات غیر کیفری و تدابیر کیفری نظامهای عدالت کیفری را شامل می گردد و از این روست که دکتر میر محمد صادقی در تعریف پیش گیری می نویسد : پیش بینی ، شناخت و ارزیابی خطر جرم و انجام اقداماتی برای رفع یا تقلیل آن را پیش گیری گویند^{۱۲}.

انواع پیشگیری

پیشگیری همچون سایر مفاهیم از حیثیات و جهات مختلف قابل تقسیم می باشد. در مهم ترین و رایج ترین نوع دسته بندی ها ، معمولا پیش گیری را به کیفری و غیر کیفری و

همچنین وضعی و اجتماعی تقسیم می‌کنند که در این قسمت به تعریف هر یک بصورت جداگانه پرداخته می‌شود.

پیشگیری کیفری

این نوع از پیش‌گیری، چنانکه از تسمیه‌اش قابل فهم است، مبتنی بر اقدامات خشن و سرکوب‌گرانه با ماهیت کیفر است. پیش‌گیری کیفری ابتدایی‌ترین نوع پیش‌گیری است که مورد اشکال و ایراد بسیاری از جرم‌شناسان و حقوق‌دانان کیفری قرار گرفته است. برخی نیز پیش‌گیری کیفری را که یک پیش‌گیری عام با تهدید به کیفر است را دست نیافتنی و تصویری بیش‌ندانسته و به دلیل عدم کارایی‌اش در پیش‌گیری از جرم، اندیشه پیش‌گیری‌های غیرکیفری و اجتماعی را مطرح نمودند. بحث فلسفه مجازات‌ها که در حقوق کیفری مطرح شده و همین‌طور تاسیس نهادهای کیفری چون تعلیق مجازات، تعویق تعقیب، آزادی مشروط، مجازات‌های جایگزین، زندان باز و نیمه باز و... همگی در ادامه بحث عدم تمامیت پیش‌گیری کیفری بوده است.

پیشگیری غیر کیفری

این نوع از پیش‌گیری که زاییده اندیشه بانیان مکتب تحقیقی و به خصوص افرادی چون انریکو فری است با تکیه بر اقدامات و تدابیر کنشی، درصدد مهار بزه کاری یا کاهش امکان وقوع بزه با توسل به اقدامات غیر قهرآمیز و غیر سرکوبگر می‌باشد. پیش‌گیری غیر کیفری، خود بر دو نوع پیش‌گیری اجتماعی و وضعی تقسیم می‌گردد.

پیش‌گیری اجتماعی

مجموعه تدابیری است که با مقابله با علل و زمینه‌های شکل‌گیری جرم، درصدد محدود کردن فرایند گذر از اندیشه به فعل مجرمانه، حذف یا کاهش علل جرم‌زا و در نتیجه نوعی مصونیت و سالم‌سازی جامعه می‌باشد^{۱۳}. پیشگیری اجتماعی از حیث ماهیت و جنس اقدامات، نوعی پیشگیری غیر کیفری است که سعی دارد تا با آگاهی بخشی به انسان و

جامعه ، نسبت به عوامل و زمینه های شکل گیری جرم ، نوعی خود کنترلی را از درون در افراد ایجاد نموده و افراد را از ارتکاب جرم و انحراف مصون دارد. در این نوع از پیش گیری بیشتر با استفاده و مدد گرفتن از آموزش و فرهنگ سازی درصدد مقابله با پدیده مجرمانه بر میاید.

پیش گیری اجتماعی به دلیل مواجهه با ریشه و عامل جرم در سیاست جنایی اسلام جایگاه و موقعیت ممتازی دارد. از آنجا که هدف اصلی تعالیم دینی روشن گری و هدایت بخشی است، می توان ادعا نمود ، بیش ترین نوع پیشگیری های دینی و اسلامی از نوع پیش گیری اجتماعی است که دین و آموزه های دینی با معرفت بخشی به افراد و معرفی حقیقت انحرافات و گناهان ، سعی در ایجاد مصونیت درونی در افراد نسبت به ارتکاب معاصی و جرم ها دارد.

پیش گیری وضعی :

علی رغم تدابیر پیش بینی شده در پیش گیری اجتماعی ، ممکن است که این تدابیر کارگر نیفتاده و عده ای از افراد به سمت ارتکاب جرم حرکت نمایند. در این وضعیت پیش گیری وضعی ، برای کسانی که در آستانه ارتکاب جرم قرار دارند ، هزینه های ارتکاب جرم را بالا برده ، فرصت ارتکاب جرم را محدود می سازد و جاذبه های آماج جرم را کاهش می دهد تا به این طریق ، مانع از ارتکاب جرم توسط این فرد گردد. پیش گیری وضعی عبارت است از اقدامات قابل سنجش و ارزیابی که به هدف مقابله با جرم انجام می گیرد و از طریق مدیریت یا مداخله در محیط بلا واسطه به شیوه ای نظام مند، منجر به کاهش فرصت جرم و افزایش خطرات جرم می گردد^{۱۴}.

اندیشمندان حقوقی تعریف ها و برداشت های متفاوتی از پیش گیری وضعی داشته اند. برخی این نوع پیش گیری را تنها شامل اقدامات محدود کننده فرصت ارتکاب جرم و یا مشکل تر کردن فرصت ارتکاب جرم توسط مجرمین بالقوه می دانند^{۱۵} . درمقابل این دیدگاه

برخی دیگر علاوه بر این نوع اقدامات محدود کننده فرصت ارتکاب جرم ، هرگونه اقدامی که خطر شناسایی و دستگیری مجرمین بالقوه را افزایش دهد را نیز داخل در این تعریف و از گونه های پیش گیری وضعی می دانند.

ب : جایگاه زکات در معارف اسلامی

شرط قبولی نماز : زکات یکی از عبادات مالی اسلام است و با شرایط خاصی واجب می شود. در اهمیت زکات همین بس که خداوند متعال در نزدیک به سی آیه قرآن، پس از دستور به نماز، سفارش به زکات می کند، گوئی رابطه ای عمیق بین نماز و زکات است، به گونه ای که نماز بی زکات، نماز مقبولی نخواهد بود^{۱۶}. همچنین ابی بصیر از زبان امام صادق (ع) نقل می کند که حضرت فرمودند : « ان الزکاة لیس یحمد بها صاحبها و انما هو شی ظاهر انما حقن بها دمه و سمی بها مسلما و لو لم یودها لم تقبل له صلاة »^{۱۷} برخی روایات نیز ادای تکلیف زکات را شرط قبولی نماز معرفی می کنند. بعد از نزول امر به وجوب زکات در زمان پیامبر گرامی اسلام، روایت می فرماید : « فأمرنادیه فنادی فی المسلمین أیها المسلمون زکوا أموالکم تقبل صلاتکم »^{۱۸}

علامت تصدیق در ادعای ایمان و تقوا : آیه ۱۷۷ سوره بقره : « لَیْسَ الْبِرُّ اَنْ تُؤَلُّوا وَجُوهَکُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ لَکِنَّ الْبِرَّ مَنْ اَمَنَ بِاللّٰهِ وَ الْیَوْمِ الْاٰخِرِ وَ الْمَلَائِکَةِ وَ الْکِتَابِ وَ النَّبِیِّنَ وَ اَتَى الْمَالَ عَلٰی حُبِّهِ ذَوٰی الْقُرْبٰی وَ الْیَتٰمٰی وَ الْمَسٰکِیْنِ وَ اٰتٰنَ السَّبِیْلِ وَ السَّآئِلِیْنَ وَ فِی الرِّقَابِ وَ اَقَامَ الصَّلَاةَ وَ اَتَى الزَّکَاةَ وَ الْمُؤَفُّونَ بَعَثْنٰهُمْ اِذَا عَاهَدُوْا وَ الصَّابِرِیْنَ فِی الْاُبْسَآءِ وَ الضَّرَآءِ وَ حِیْنَ الْاُبْسِ اُولٰٓئِکَ الَّذِیْنَ صَدَقُوْا وَ اُولٰٓئِکَ هُمُ الْمُتَّقُونَ » حضرت عیسی (ع) در قران می فرماید : « أوصانی بالصَّلوةِ وَ الزَّکوةِ ما دمت حیًا » همچنانکه پیامبر گرامی اسلام نیز در روایتی شریف می فرماید : « من عمل بهذه الایة فقد استکمل الایمان »^{۱۹}

رفتن برکت در صورت عدم ادای زکات : عبدالرحمن بن کثیر از امام صادق (ع) نقل کرده که حضرت فرمودند : در کتاب امیر المؤمنین صلوات اللّٰه علیه چنین نوشته است که

حضرت سید المرسلین صلی اللہ علیہ و آلہ فرمودند که هر گاه در امت من زنا ظاهر شود مرگ مفاجات بسیار می‌شود، و هر گاه ترازو دزدی کنند حق سبحانه و تعالی ایشان را مبتلا می‌کند به قحط و بی برکتی، و هر گاه زکات مال را ندهند زمین برکات خود را نمی‌دهد از زراعتها و میوه‌ها و معدنها^{۲۰}.

عدم قبولی شهادت کسی که زکات نمی‌پردازد: امام باقر(ع) در حدیثی مفصل، شهادت کسانی که جایز نیست را برمی‌شمارند و از آن جمله شهادت کسی است که زکات پرداخت نمی‌کند^{۲۱}.

ج: کارکرد های زکات

حفاظت و صیانت از دیگر اموال: علی(ع) در این باره می‌فرماید: « حصنوا اموالکم بالزکات »^{۲۲} اموالتان را بوسیله پرداخت زکات صیانت نمایید. در توضیح این روایت و توجیه چگونگی این کارکرد، چنین به نظر می‌رسد که براساس معارف اسلامی، زکات یک تکلیف و واجب الهی است که بارها و بارها در معارف اسلامی و از زبان معصومین گفته شده است که هرگاه حقوق و تکالیف واجب را اداء ننماید و از پرداخت حق استنکاف ورزد، به ناچار همین مال در ناحق و در مورد نا اهل استفاده و صرف خواهد شد. همچنین شاید به این تبیین نیز بتوان زکات را موجب صیانت مال دانست که اگر زکات بدست اهلش نرسد، در حکم اسراف بوده و مکفی و مجزی از تکلیف شرعی نیست و پرداخت کننده زکات ملزم به تادیه مجدد زکات می‌باشد. چنانکه در لزوم مصرف زکات در مورد اهلش خداوند فرموده است: « وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلا تُسْرِفُوا »^{۲۳} قوله وَلا تُسْرِفُوا نهي عن وضع الزكاة في غير أهله و أن من أعطى زكاة ماله الفاسق و الفاجر فقد أسرف و وجب عليه الإعادة قال النبي ص المعتدى في الصدقة كمانعها و الإسراف مجاوزة حد الحق و هو يكون بالتفريط و الإفراط و التقصير و الزيادة^{۲۴}

همین معنا در روایت دیگری نیز به این بیان مورد تاکید قرار گرفته است : صَفْوَانُ بْنُ يَحْيَى عَنْ دَاوُدَ عَنْ أُخِيهِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ : « بَعَثَنِي إِنْسَانٌ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع زَعَمَ أَنَّهُ يَفْرَعُ فِي مَنَامِهِ مِنْ امْرَأَةٍ تَأْتِيهِ قَالَ فَصِحْتُ حَتَّى سَمِعَ الْجِيرَانَ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع أَذْهَبَ فَقُلْ إِنَّكَ لَا تُؤَدِّي الزَّكَاةَ قَالَ بَلَى وَاللَّهِ إِنِّي لَأُؤَدِّيهَا فَقَالَ قُلْ لَهُ إِنْ كُنْتَ تُؤَدِّيهَا لَا تُؤَدِّيهَا إِلَى أَهْلِهَا »^{۲۵}

حفاظت و صیانت از جان انسان: إِسْحَاقُ بْنُ عَمَّارٍ عَنْ مُعْتَبِرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ : قَالَ : أَذْهَبَ فَأَعْطِ عَنْ عِيَالِنَا الْفِطْرَةَ وَ أَعْطِ عَنِ الرَّقِيقِ وَ اجْمَعَهُمْ وَ لَا تَدَعْ مِنْهُمْ أَحَدًا فَإِنَّكَ إِنْ تَرَكْتَ مِنْهُمْ إِنْسَانًا تَخَوَّفْتُ عَلَيْهِ الْفَوْتَ قُلْتُ وَ مَا الْفَوْتُ قَالَ الْمَوْتُ . علامه مجلسی در ذیل این روایت می فرماید : این روایت دلالت می کند براین که همان گونه که زکات مالی موجب حفظ مال است ، زکات فطره هم موجب حفظ جان است^{۲۶}. حضرت فاطمه زهرا (س) نیز در خطبه ای اشاره به این مطلب نموده و می فرماید : « والزکات تزکیه للنفس »^{۲۷}

افزایش مال : خداوند در سوره روم آیه ۳۹ می فرماید : « و ما ایتیم من ربا لیربوا فی اموال الناس فلا یربوا عند الله و ما ایتیم من زکاة تریدون وجه الله فاولئک هم المضعفون » آنچه به عنوان ربا می پردازید تا در اموال مردم فزونی یابد، نزد خدا فزونی نخواهد یافت، و آنچه را به عنوان زکات می پردازید و تنها رضای خدا را می طلبید (مایه برکت است و) کسانی که چنین می کنند دارای پاداش مضاعفند.

در تفسیر اصفی ، مضعفون را چنین معنی می کند : « ذووا الاضعاف من الثواب فی الآجل و المال فی العاجل » کسانی که زکات می پردازند ، ثواب مضاعف در آخرت و مال مضاعف در دنیا بدست می آورند. آنگاه در ادامه به روایتی پرداخته که می گوید : « الزکات زیاده فی الرزق »^{۲۸} گرچند که صاحب تفسیر البرهان ، تصریح می کند که منظور از زکات در این آیه شریفه ، قرض دادن است^{۲۹}، اما حتی اگر چنین باشد ، باز هم مطلوب ما حاصل بوده و ضرری به اصل مطلب نمی رسد. زیرا در کنار احتمال این معنی ، نمی توان ، ظهور آیه در معنای زکات مصطلح را نفی نمود . تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین که یک تفسیر با

رویکرد روایی و ادبی است، این احتمال را در کنار دیگر احتمالات پذیرفته است.^{۳۰} «أَنْ مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا» «كَمَثَلِ حَبَّةِ أَثْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ» همچنین در سوره براءت، آیات ۱۰۴ و ۱۰۵ خداوند پرداخت زکات را موجب تزکیه معرفی می نماید: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» از اموالشان زکات بگیر، تا بدین وسیله پاکشان کنی و (اموالشان را) نمو دهی، و در باره آنان دعای خیر کن که دعای تو مایه آرامش آنان است، و خدا شنوا و داناست. علامه طباطبایی در تبیین تطهیر و تزکیه مال توسط زکات دادن می نویسد: تطهیر رفع نمودن و ازاله ناصافی ها و آلودگی ها از اشیاست تا وجودشان صاف گردد و به این ترتیب آماده نشو و نما و ظهور آثار و برکات شیء گردند. و تزکیه رشد دادن و افزایش دادن بوسیله لحوق خیرات و ظهور برکات است مانند اینکه درختان بوسیله حرس نمودن و حذف شاخه های زائده، میوه هایشان افزایش می یابد.^{۳۱}

ذیل همین آیه در تفسیر زبده البیان نیز آمده است: «و هی تدل علی ... و ان الزکات تطهیر للمال و تنمیة»^{۳۲} همچنین روایت شده، مالی که زکاتش داده نشود، دور از خیر و برکت است.^{۳۳}

د: زکات در سیاست جنایی اسلام

۱- جرم انگاری عدم پرداخت زکات:

برای تبیین این مبحث، در یک مراجعه اجمالی به قرآن بعنوان اصلی ترین و اولی ترین منبع قانون گذاری و تشریح احکام الهی و همچنین مراجعه به سخن علما و مفسرین، به سادگی تحریم عدم پرداخت زکات و جرم انگاری آن از سوی خداوند متعال در مجموعه قوانین اسلامی، قابل اثبات می باشد که ما به جهت اختصار تنها به دو مورد از آیات قرآن اشاره می کنیم.

خداوند متعال در آیه ۷ سوره سجده می فرماید: « وَيَلُّ لِلْمُشْرِكِينَ الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ ». وای بر مشرکین که زکات نمی پردازند درحالیکه به آخرت نیز کافرنند.

خداوند متعال در این آیه شریفه، عدم پرداخت زکات را یکی از ویژگیها و خصوصیات مشرکین بر می شمارد و با لحاظ این نکته که کلام خداوند از حیث فصاحت و بلاغت در قله اوج قرار داشته و هیچ گونه حشو و زیادی در کلام الهی متصور نیست، باید گفت قید « لا یوتون الزکاة » هم برای رساندن یک معنای مهم بوده و به اصطلاح اصولی یک قید اضافی و توضیحی نیست بلکه اصل در کلام خداوند، احترازیست قیود است و این قید نیز به قصد اخراج یک معنا گفته شده یعنی آیه چنین معنی می شود که پرداخت کنندگان زکات، مشرک نیستند و وصف عدم پرداخت زکات یک وصف مقوم در معنای شرک است. با این توضیح می توان نتیجه گرفت که عدم پرداخت زکات نه تنها یکی از ویژگیهای مشرکین، بلکه ویژگی اصلی آنان می باشد و حتی مومنینی که به ظاهر ایمان دارند اما از پرداخت زکات استنکاف می نمایند نیز به نوعی دچار شرک هستند. علاوه بر این تبیین و فارغ از آنکه عدم پرداخت زکات ویژگی مشرکین معرفی شده است، مشاهده می شود که خداوند متعال در این آیه به منظور تقبیح و بیان زشتی انکار زکات، از تعبیر « ویل » استفاده نموده است. به گفته مفسرین در اصطلاح قرآنی واژه « ویل » حداقل دارای دو معنی می باشد. یکی اینکه « ویل » از آوای صوت و به معنی « وای » می باشد که هنگام رسیدن مصیبت و عذاب و در مورد اظهار درد و درماندگی گفته می شود. دیگر اینکه گفته شده نام یکی از وادیهای جهنم است. همچنین در توضیح این واژه شیخ طوسی (ره) این واژه را از کلماتی می داند که در فرهنگ قرآنی تنها کفار و فساق به آن مورد خطاب قرار می گیرند و در بردارنده ی استحقاق عذاب و عقاب برای اینان می باشد^{۳۴}. چنان که مشاهده می گردد خداوند متعال در این آیه شریفه با بکار گیری واژه « ویل » و بر شمردن از اوصاف مشرکین، برای عدم پرداخت زکات

و عده عذاب داده و به اصطلاح حقوقی امروزی ، جرم انگاری نموده است و گرنه در مقابل عملی که مجرمانه و ممنوع نباشد ، وعده عذاب و تعیین مجازات غیر قابل توجیه می باشد. همچنین خداوند در سوره توبه ، آیه ۳۴ در وصف علمای یهودی و مسیحی گفته است : « یا ایها الذین امنوا ان كثيرا من الاحبار و الرهبان كانوا ياكلون اموال الناس بالباطل و يصدون عن سبيل الله و الذین یکنزون الذهب و الفضة و لا ینفقونها فی سبیل الله فبشرهم بعذاب الیم » ای کسانی که ایمان آورده اید ، بسیاری از احبار و راهبان ، اموال مردم را به باطل می خوردند و از راه خدا ممانعت می نمودند و کسانی که طلا و نقره را ذخیره می کنند و در راه خدا انفاق نمی کنند ، ای پیامبر به آنان عذاب دردناک را وعده کن و بشارت ده.

قطب الدین راوندی در ذیل این آیه شریفه در توجیه علت وعده عذاب یا همان وعید الهی در عمل ذخیره نمودن طلا و نقره می فرماید : اکثر مفسرین و علماء بر این عقیده اند که وعده عذاب در این آیه ، شامل کسی می گردد که مانع زکات است و از پرداخت زکات استنکاف و خود داری می نماید . زیرا بعد از ادای حق الهی ، مانعی در ذخیره نمودن و جمع آوری اموال نبوده و حفظ مال نیز یا به دفن نمودن در زمین و به اصطلاح کنز است و یا به نگه داری در صندوق^{۳۵} . با این بیان و تفسیر از « الذین یکنزون » چنانکه مشاهده می شود ، خداوند متعال در این آیه با صراحت و بصورت کاملا واضح برای عدم پرداخت زکات واجب ، وعده عذاب دردناک داده است .

آیاتی که در این جا مورد اشاره رفت ، ناظر به تحریم و جرم انگاری عدم پرداخت زکات بود . اما تحریم انکار زکات به لحاظ اعتقادی و نظری چنان روشن است که نیاز چندانی به استدلال و تلاش برای احصای دلیل احساس نمی گردد و تنها از باب تاکید ، به ذکر آرای چند از فقهاء و حدیثی در این باب ، بسنده می شود . علامه حلی در کتاب تبصره المتعلمین فرموده اند: زکات نیز از جمله عبادات مهم و از ارکان اسلام محسوب شده و جزو ضروریات دین مبین اسلام است و اگر کسی با علم به اینکه از ضروریات است منکر آن شود جزو

کافران محسوب می‌شود چون انکار آن برگشت به تکذیب رسول خدا می‌کند^{۳۶}. امام خمینی (ره) نیز در تحریر الوسیله مانند مشهور فقها، تصریح می‌نماید که وجوب زکات، فی الجمله از ضروریات دین مبین اسلام بوده و منکر زکات در زمره ی کفار محسوب می‌گردد^{۳۷}. امام الصادق (ع) : تارک الزکاة و قد وجبت له، کمانعها و قد وجبت علیه. امام صادق «ع»: تارک زکات که گرفتن آن بر او واجب شده است (و نمی‌گیرد)، همچون مانع زکات است که زکات واجب خود را نمی‌دهد. البته شاید بتوان گفت که علت و ریشه عدم پرداخت زکات نیز به عدم اعتقاد و انکار زکات بر می‌گردد و عدم پرداخت زکات نیز خود نوعی انکار عملی زکات می‌باشد.

۲- زکات و نقش آن در پیش‌گیری از جرم

نقش محیط اقتصادی سالم و تامین نیازهای اقتصادی انسان در جلوگیری از بزه و انحراف، غیر قابل انکار است. از این روست که تمام مکاتب و ادیان نیز در پی تامین عدالت اجتماعی بوده‌اند. تامین نیازهای اقتصادی و تحقق رفاه نسبی اجتماعی یکی از مهمترین جلوه‌های عدالت اجتماعی، همواره مطمح نظر هر نظام فکری می‌باشد.

جرم‌شناسان نیز در تاثیر عامل اقتصادی بر کاهش یا افزایش آمار بزهکاری، اتفاق نظر دارند. اما در شناخت و معرفی مهمترین عامل اقتصادی جرم‌زا و تحلیل چگونگی تاثیر این عامل، اختلاف نظر دارند. گروهی تضاد طبقاتی و توزیع ناعادلانه ثروت را مهمترین عامل جرم‌زا می‌دانند. گروهی دیگر فقر و تهیدستی فقرا را عامل جرم‌زا می‌دانند. برخی دیگر تمایل به ثروت‌اندوزی و تجمل‌گرایی را از میان تمام عوامل اقتصادی، مهمترین عامل جرم‌زا می‌دانند. برخی نیز بی‌کاری و عدم توانایی در پاسخ‌گویی به نیازهای مادی را مهمترین عامل جرم‌زا خصوصا در جرایم اقتصادی می‌دانند^{۳۸}.

اگر دیدگاه نخست را پذیرفته و مهمترین عامل اقتصادی جرم‌زا را تضاد طبقاتی و توزیع ناعادلانه ثروت بدانیم، با نگاهی به فلسفه تشریح و نحوه توزیع زکات در اسلام، به جرات

می توان گفت که یکی از اهداف اصلی اسلام در بعد اجتماعی ، تحقق عدالت اقتصادی و مبارزه با تضاد طبقاتی است. مالیه‌های اسلامی و حقوق مالی ای نیز که در اسلام واجب شده است به منظور تحقق این هدف عالی یعنی توزیع عادلانه ثروت می باشد. خداوند در آیه ۷ سوره حشر ، علت و فلسفه توزیع فیء میان یتامی و مساکین و ابن السبیل را نفی شکل گیری تضاد طبقاتی ، بیان می کند : « ما افاء الله علی رسوله من اهل القرى فله و للرسول و لذی القربى و الیتامى و المساکین و ابن السبیل کی لا یکون دولة بین الاغنیاء منکم ». آنچه خدا از اموال اهل قری به رسول خود برگردانید از آن خدا و رسول او و از آن خویشان رسول و فقیران و مسکینان و درماندگان در راه است تا اموال بین توانگران دست به دست نچرخد. همین سیاق آیه که درباره نحوه توزیع فیء میان مستحقان آن وارد شده است ، در مورد نحوه توزیع زکات نیز میان مستحقان زکات تکرار شده است و این به معنای همان فلسفه این نوع توزیع یعنی نفی تضاد طبقاتی و شکل گیری یک طبقه متمکن در مقابل یک طبقه محروم است. « انما الصدقات للفقراء و المساکین و العاملين علیها و المولفه قلوبهم و فی الرقاب و الغارمین و فی سبیل الله و ابن السبیل فریضه من الله و الله علیم حکیم »^{۳۹} زکات فقط از آن فقرا و تنگدستان و عاملان آنست و آنها که جلب دل‌هایشان کنند، و برای آزاد کردن بردگان و قرض داران و صرف در راه خدا و به راه ماندگان است، و این قراری از جانب خداست و خدا دانای شایسته کار است.

به نظر اکثر مفسرین و فقهای عظام نیز لام در لفقراء و المساکین و العاملين علیها و سایر موارد مصرف ، لام ملکیت نیست و بلکه تنها برای بیان مورد مصرف است و استحقاق و اختصاص مصرف زکات در این موارد می باشد^{۴۰}. این استفاده دقیق نیز هماهنگ با فلسفه جعل حکم زکات و دیگر حقوق مالی مانند فیء است که « کی لا یکون دولة بین الاغنیاء » چنانکه محدود بودن مقدار زکات اعطایی به فقیر و مسکین و سایر موارد مصرف زکات و وجوهات شرعی به عدم اضافه از مئونه سنه نیز در راستای همین فلسفه و هماهنگ با علت

تشریح و توزیع زکات است. بنابراین با استناد به این آیات و همچنین احکام فقهی مستفاد از آن می توان گفت که زکات، تکلیف واجب و یک نهاد دینی است که برای نفی تضاد طبقاتی و به منظور توزیع عادلانه ثروت، وضع گردیده و به این ترتیب با ایجاد عدالت اقتصادی و اجتماعی، نوعی تدبیر و اقدام پیشگیرانه برای مبارزه با جرایم اقتصادی در سیاست جنایی اسلام می باشد.

۳- زکات و پیش گیری وضعی از جرم:

چنانچه مانند برخی از جرم شناسان، فقر و تهی دستی را عامل اقتصادی جرم زا بدانیم نیز بازهم زکات به مبارزه با این عامل بر میخیزد. از نگاه اسلام، انجام فریضه زکات و رساندن زکات به مورد مصرف آن باعث نابودی فقر و رفع گرفتاری افراد و نابودی زمینه های جرم خیزی در افرادی که در آستانه ارتکاب جرم هستند، می گردد. دقت در نوع موارد مصرف زکات نشان می دهد که اکثر اصنافی که مورد مصرف زکات را تشکیل می دهند کسانی هستند که به علت گرفتاری و فقر در آستانه ارتکاب جرم قرار گرفته اند. فقراء، مساکین، بردگان، مقروضین و در راه ماندگان کسانی هستند که هرآن به منظور استخلاص خویش از وضعیت موجود، ممکن است دست به ارتکاب جرم بزنند. از این روی و با این تبیین می توان گفت که ادای زکات می تواند نوعی پیشگیری وضعی برای این افراد در سیاست جنایی اسلام، تلقی گردد.

پرداخت بدهی مقتول مدیون از زکات : عَلِيُّ بْنُ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ قُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ رَجُلٌ قَتَلَ رَجُلًا مُتَعَمِّدًا أَوْ خَطَأً وَ عَلَيْهِ دَيْنٌ وَ مَالٌ فَأَرَادَ أَوْلِيَاؤُهُ أَنْ يَهْبُوا دَمَهُ لِلْقَاتِلِ فَقَالَ إِنْ وَهَبُوا دَمَهُ ضَمِنُوا الدَّيْنَ قُلْتُ فَإِنْ هُمْ أَرَادُوا قَتْلَهُ فَقَالَ إِنْ قُتِلَ عَمْدًا قُتِلَ قَاتِلُهُ وَ أَدَى عَنْهُ الْإِمَامُ الدَّيْنَ مِنْ سَهْمِ الْعَارِمِينَ قُلْتُ فَإِنَّهُ قُتِلَ عَمْدًا وَ صَالِحَ أَوْلِيَاؤُهُ قَاتِلَهُ عَلَى الدَّيْنِ فَعَلَى مَنْ الدَّيْنُ عَلَى أَوْلِيَائِهِ مِنَ الدَّيْنِ أَوْ عَلَى إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ فَقَالَ بَلْ يُؤَدُّونَ دَيْنَهُ مِنْ دَيْنِهِ الَّتِي صَالَحُوا عَلَيْهَا أَوْلِيَاؤُهُ فَإِنَّهُ أَحَقُّ بِدَيْنِهِ مِنْ غَيْرِهِ^{۴۱}

پرداخت بدهی ضامن یا مضمون عنه که هردو یا یکی فقیر است : مرحوم تبریزی در استفتایی که از ایشان در این مورد شده است چنین می نویسد : « تعداد زیادی از محبوسین به سبب جرائمی چون قتل غیر عمد و یا بدهیهای غیر کلاهبرداری از قبیل چک بلا محل، ترک انفاق و مشابه آن محکومیت یافته‌اند، خواهشمند است ارشاد فرمائید: آیا جایز است از محل زکات برای آزادی نامبردگان اقدام نمود؟

بسمه تعالی - چنانچه بدهی آنها از طریق حرام مانند قتل عمد و یا شبه عمد ناشی از ارتکاب حرام و یا معامله غیر شرعی نبوده و نیز مالی و لو به نام افراد دیگر نداشته باشند که اداء دین بنمایند، می‌توان بدهی آنها را از زکات پرداخت نمود و باید شرایط عامه استحقاق زکات را از جمله شیعه بودن و بنابر احتیاط متجاهر به فسق و یا تارک الصلاة و یا شارب الخمر نبودن مراعات شود، و الله العالم »^{۴۲}.

همچنین در مساله ۱۶ از ترجمه عروه الوثقی نیز چنین آمده است : فرقی نیست در اقسام دین آن که قرض کرده باشد یا ثمن مبیع باشد یا ضامن شده باشد و نحو آنها، چنانچه هر گاه مال دیگری را جهلاً یا نسیاناً تلف کرده باشد و نتواند غرامت بکشد جایز است از این سهم بگیرد به خلاف آن که عمداً و عدواناً تلف کرده باشد که جایز نیست^{۴۳}.

آزاد کردن بنده مکاتب که قدرت پرداخت اقساط باقی مانده را ندارد : سئِلَ الصَّادِقُ (ع) عَنْ مُكَاتَبٍ عَجَزَ عَنْ مُكَاتَبَتِهِ وَقَدْ أَدَّى بَعْضَهَا قَالَ يُؤَدَّى عَنْهُ مِنْ مَالِ الصَّدَقَةِ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ - وَفِي الرُّقُوبِ^{۴۴}

امام رضا (ع) در حدیثی زیبا و در تشریح علت زکات می فرماید : « لَأَنَّ اللَّهَ كَلَّفَ أَهْلَ الصَّحَّةِ الْقِيَامَ بِشَأْنِ أَهْلِ الزَّمَانَةِ مِنَ الْبُلُوبِ ... مع ما فيه من الزيادة و الرأفة و الرحمة لأهل الضعف، و العطف على أهل المسكنة، و الحث لهم على المساواة، و تقوية الفقراء و المعونة لهم على أمر الدين^{۴۵}. علت تشریح زکات برای آن است که خدا مردمان تندرست را مکلف کرده است تا به بلا دیدگان زمین گیر شده یاری کنند ... و هر چه بیشتر نسبت به ناتوانان و

مسکینان و رفع نیازمندیهای ایشان مدد کارشان باشند، و به برقرار کردن مساوات و قوت بخشیدن به فقیران و کمک کردن به ایشان در امر دین برانگیخته شوند.

همچنین علی بن ابراهیم قمی در حدیثی نقل کرده است که : قال ابوالحسن (ع) ان الله عزوجل وضع الزكاة قوتا للفقراء و توفيرا لاموالکم^{۴۶} . امام هادی (ع) فرمودند که همانا خداوند عزوجل زکات را مایه قوت فقرا و موجب افزایش اموالتان قرار داده است.

ع- زکات و پیش گیری اجتماعی از جرم:

اسلام از یک سوی با آگاهی بخشی نسبت به حقیقت زکات که آنرا موجب افزایش مال و صیانت از جان و مال می داند ، درصدد تحریک و تحریر افراد جامعه و مومنین نسبت به پرداخت زکات می باشد . از سوی دیگر نیز با تاکید بر پاک و مباح بودن مال متعلق زکات ، به نحو دیگری بر مبارزه با احساس ثروت اندوزی و جمع آوری مال از هر طریق ممکن تاکید می نماید.

در این مورد خداوند در سوره بقره ، آیه ۲۶۷ می فرماید: « يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ » ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خوبیهای آنچه بدست آورده‌اید و آنچه برایتان از زمین بیرون آورده‌ایم انفاق کنید، و پست آن را (که) خودتان نمی‌گیرید مگر با چشم‌پوشی) برای انفاق منظور نکنید، و بدانید که خدا بی‌نیاز و ستوده است

در تفسیر آیه شریفه ، آیت الله مکارم شیرازی درباره شان نزول آیه حدیثی از امام صادق (ع) را ذکر کرده که فرمودند : « أن الآية نزلت في قوم لهم أموال من ربا الجاهلية كانوا يتصدقون منه فنهى الله عنه و أمر بالصدقة من الطيب الحلال »^{۴۷} این آیه درباره کسانی نازل شده است که از اموال ربوی در زمان جاهلیت، مالی را جمع کرده و بعدها از این اموال صدقه (

زکات) پرداخت می نمودند که خداوند آنان را از این کار برحذر داشته و امر نمود که صدقه (زکات) باید از مال پاک و حلال باشد.

همچنین از جهتی دیگر با نمایاندن حقیقت تضييع حق ديگران و از جمله مستحقين زکات و نشان دادن عواقب اخروی این امر، سعی دارد تا ریشه های اقتصادی جرم و انحراف در جامعه یعنی حس تجمل گرایی و ثروت اندوزی به هر شکل ممکن را بخشکاند و از طریق آگاهی بخشی و معرفت دهی نسبت به ریشه و عامل اصلی تمام انحرافات و جرایم، نوعی صیانت و پیش گیری اجتماعی در افراد را نسبت به ارتکاب جرم ایجاد نماید. در همین جهت یکی از مفسرین چنین می نویسد: «قرآن یکی از منشأها و ریشه های گناهان را در بردن حقوق مالی و انحراف از نظام و روابط عادلانه قانونی و فطری آن، نشان میدهد از اینجهت فقط ویل را برای افراد و طبقاتی آورده است که بصورت های مختلف حق مردم را از میان میبرند و اموال افراد و عموم را می ربایند و موجب اختلال در روابط عادلانه میگردند . ویل للمطفین ... ویل للمشركین الذین لا یوتون الزکات . این آیات حق بری و کم فروشی و جمع مال و محروم کردن یتیم و گرسنه داشتن مسکین و منع ماعون و کسب از طریق ساخت و ساز بنام دین و ندادن زکات را، مانند شرک و کفر در ردیف اصول گناهان، آورده و اینگونه گناهکاران را مستحق ویل بیان کرده است. گویا اینگونه گناهان از بس آثار و تبعات و دامنه دارد و از هر سو دامنگیر است که بیان و تعبیری از انواع آثار شوم و عذاب های گوناگون آن، جز فریاد ویل نیست»^{۴۸}

۵- تقویت دین بوسیله زکات و پیش گیری اجتماعی رشد مدار

امروزه از نگاه جرم شناسان ، یکی از زمینه های جرم خیز در جامعه عدم مقبولیت و باورمندی مخاطبین قانون به قانون حاکم بر جامعه است. به هر میزان که قانون حاکم و افراد دخیل در حاکمیت از مقبولیت کمتری برخوردار باشند به همان مقدار قانون گریزی و عدم تمکین افراد به حدود قانونی افزایش می یابد. یعنی میان آمار جرم در جامعه و میزان مقبولیت

قوانین در میان افراد آن جامعه ، رابطه و نسبت مستقیم برقرار است. بدین جهت هر نهاد قانونی که به نحوی موجب مقبولیت و قدرت قانون در جامعه گردد ، می توان ادعا نمود که تاثیری در مقابله با جرم داشته است. بنابراین در سیاست جنایی اسلام نیز اگر بتوانیم به هر نحوی دخل و نقش زکات در قدرت و مقبولیت قانون اسلام را ثابت نماییم ، در واقع نقش زکات در مقابله با جرم و به اصطلاح فنی نوعی پیش گیری اجتماعی و رشد مدار را در سیاست جنایی اسلام را نشان داده ایم. بدین منظور با نظر به نهاد زکات و نقش آن در تقویت دین و باورمندی به قانون اسلام ، چگونگی از بین رفتن زمینه و ریشه جرم یعنی قانون گریزی را به اثبات خواهیم نشست. بدین منظور مطالعه بر روی اصناف و موارد مصرف زکات می تواند یاری گر ما در این مهم باشد.

در نظر به اصناف و افراد مستحقین زکات و همچنین موارد مصرف آن که در قران و نظرات فقها و مفسرین وارد شده ، مواردی چون « مؤلفه قلوبهم » و هم چنین « فی سبیل الله » دیده می شود که مصرف زکات در این موارد را تنها و تنها در جهت تقویت دین و قانون و حکومت دینی در جامعه میتوان توجیه نمود.

« قال بعض العلماء جعل الله الزكوات لأمرين أحدهما سد خلة و الآخر تقوية و معونة لعز الإسلام و استدلل لذلك على أن المؤلفه قلوبهم فی كل زمان »^{۴۹} برخی از علماء فرموده اند که خداوند زکات را بخاطر دو امر قرارداد. یکی رفع تنگناها و کمبودها و دیگری تقویت و یاری رساندن به عزت اسلام . صاحب عروه نیز در همین جهت فرموده اند : « مؤلفه قلوبهم و ایشان کفاری هستند که به زکات دادن به ایشان، تألیف قلوب آنها مقصود باشد تا مایل به اسلام شوند و یا در جهاد یا دفاع [مسلمانان با] کفار، همراهی با مسلمین نمایند. و هم چنین ضعفاء العقول از مسلمین برای تقویت اعتقاد آنها و یا رغبت آنها به همراهی جهاد یا دفاع . در ادامه می فرمایند که آزاد کردن بندگان که سه گروهند : عبد مکاتبی که از اداء مال کتابه

عاجز شده است ، عبدی که در عرف بگویند کار براو سخت شده است ، مطلق آزاد سازی بنده در صورتی که مستحق دیگری موجود نباشد «^{۵۰}.

مرحوم آیت الله بهجت نیز همچون سایر فقهاء یکی از موارد مصرف زکات را مصالح عامه دانسته و می نویسد : « و اگر دین برای مصلحت شخصیه نباشد، مثل ادای دیه قتل که معلوم نباشد قاتل او و خوف فتنه باشد، اگر ادا نمود با استدانه یا از مال خود، آن دیه را و نتوانست ادای دین مذکور نماید از مال خود، می تواند از زکات دفع شود به او برای ادای این دین؛ چنانکه از سهم سبیل الله هم می تواند بگیرد بنا بر عموم به قربتها. و در صورت تمکن از ادای این دین از مال خودش با عدم ادا، تأمل است در استحقاق از سهم مدیونین. و هم چنین [است] اتلافی که متلف معلوم نباشد و خوف فتنه باشد اگر کسی ادای بدل از مال خودش کرد برای اصلاح «^{۵۱} مساله مصرف زکات در مصالح عامه از چنان مقبولیتی برخوردار است که حتی برخی از علمای معاصر فلسفه جعل و وجوب زکات را مصرف در مصالح عامه دانسته اند^{۵۲}.

البته ناگفته روشن است که به همان میزان که مصرف زکات در مصالح عامه مسلمین و همچنین مولفه قلوبهم، موجب تقویت اسلام و حاکمیت و افزایش باور عمومی به قانون اسلام و فریضه زکات می گردد به همان میزان سایر موارد مصرف زکات نیز، باعث تقویت قانون و حاکمیت اسلام می گردد.

زمانی که افراد نیازمند و گرفتار و در آستانه ارتکاب جرم ، بوسیله زکات دستگیری شوند ، قطعاً میزان باورمندی این افراد به قانون اسلام و التزام به رعایت قوانین اسلامی ، افزایش خواهد یافت و به نوعی در نهایت موجب تقویت روحیه قانون مداری و نفی قانون گریزی در افراد جامعه خواهد شد.

پی نوشت‌ها

- ۱ - احمد بن فارس ، معجم المقاییس اللغة ، تصحیح هارون عبدالسلام محمد، مکتب الاعلام الاسلامی ، قم ۱۴۰۴ ق ، ج ۳ ص ۱۷
- ۲ - مبارک بن محمد جزری ، ابن اثیر، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر ، تصحیح محمود محمد طنّاحی، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم، چهارم، ۱۳۶۷ ش، ج ۲ ص ۳۰۷
- ۳ - علی محمدی خراسانی ، شرح تبصره المتعلمین (علامه حلی) ، ج ۱ ص ۱۹۳
- ۴ - علی اکبر قرشی ، قاموس قرآن ، دار الکتب الاسلامیه، تهران ، چاپ ششم ۱۴۱۲ ق ، ج ۳ ص ۱۷۰ و ۱۷۱ و علامه طباطبایی ، المیزان فی تفسیر القرآن ، ج ۱۵ ص ۹ : لعل المراد بالزکات المعنی المصدری و هو تطهیر المال بالاتفاق منه دون مقدار المخرج من المال
- ۵ - زین الدین بن علی عاملی . شهید ثانی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة ، محشی کلاتر، کتابفروشی داورى، قم ، اول ۱۴۱۰ ق ، ج ۲ ص ۱۱
- ۶ - کریستین لازرژ، سیاست جنایی ، ترجمه علی حسینی نجفی ابرند آبادی، تهران، یلدا، چاپ اول ۱۳۷۵ ش ، ص ۹
- ۷ - مارک آنسل ، دفاع اجتماعی ، ترجمه محمد آشوری و علی نجفی ابرند آبادی ، دانشگاه تهران، تهران، سوم ۱۳۷۵ ش ، ص ۵۱
- ۸ - سید محمدحسینی ، سیاست جنایی در اسلام و جمهوری اسلامی ایران، سمت، تهران، چاپ اول ص ۲۷
- ۹ - جلال الدین قیاسی ، مبانی سیاست جنایی حکومت اسلامی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی ، قم، چاپ اول ۱۳۸۵ ص ۴۰ و ۴۱
- ۱۰ - محمد اسحاقی، رویکردی استراتژیک به پیشگیری از جرم ، تهران، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه ، ۱۳۸۲، ص ۳
- ۱۱ - علی حسین نجفی ابرند آبادی ، پیش گیری از بزه کاری و پلیس محلی ، مجله تحقیقات حقوقی ، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۲۵ و ۲۶ ، ص ۱۳۵
- ۱۲ - حسین میر محمد صادقی ، ملاحظاتی در موضوع پیش گیری از جرم ، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ش ۳۵ و ۳۶ ص ۱۰۲
- ۱۳ - علی حسین نجفی ابرند آبادی ، پیش گیری عادلانه از جرم، مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۳ ش ، ص ۵۵۹
- ۱۴ - دنیس رزن بام ، پیش گیری وضعی از جرم، ترجمه رضا پرویزی، مجموعه مقالات پیشگیری از جرم ، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه ، ۱۳۸۲ ش ، ص ۱۵
- ۱۵ - ژرژ پیکا، جرم شناسی ، ترجمه دکتر نجفی ابرند آبادی ، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی ، ۱۳۷۶ ش، ص ۱۰
- ۱۶ - ناصر مکارم شیرازی، احکام بانوان، انتشارات مدرسه امام علی بن ابیطالب علیه السلام، قم ، یازدهم ۱۴۲۸ ق ، ص ۱۳۱
- ۱۷ - محمد بن یعقوب کلینی ، الکافی ، طبع اسلامی ، دار الکتب الاسلامیه ، تهران، چهارم ۱۴۰۷ ق ص ۴۹۹
- ۱۸ - الکافی ، همان ، ج ۳ ص ۴۹۷
- ۱۹ - احمدین محمد مقدس اردبیلی، زبده البیان فی احکام القرآن، کتابفروشی مرتضوی، تهران ، چاپ اول، ص ۱۷۹
- ۲۰ - محمد تقی مجلسی، لوامع صاحبقرانی ، موسسه اسماعیلیان ، قم ، چاپ دوم ۱۴۱۴ ه ق ، ج ۵ ص ۳۰۲
- ۲۱ - آقا حسین طباطبایی بروجردی ، منابع فقه شیعه ، انتشارات فرهنگ سبز، تهران، چاپ اول ، ۱۴۲۹ ه ق ، ج ۳ ص ۴۱۹
- ۲۲ - وسائل الشیعه ، ج ۹ ص ۴۰۲
- ۲۳ - انعام ۱۴۱
- ۲۴ - فقه القرآن فی شرح آیات الأحکام، ج ۱، ص: ۲۳۸
- ۲۵ - احمد بن محمد بن خالد برقی ، المحاسن ، تصحیح جلال الدین محدث ، دارالکتب الاسلامیه ، قم ، چاپ دوم ۱۳۷۱ ق ، ج ۱ ص ۸۷

- ۲۶ - محمد باقر مجلسی ، مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول ، تصحیح سید هاشم رسولی ، دار الکتب الاسلامیه ، تهران ، چاپ دوم ۱۴۰۴ ق ، ج ۱۶ ص ۲۲۴
- ۲۷ - احتجاج طبرسی ج ۱ ص ۱۳۴
- ۲۸ - ملا محسن فیض کاشانی ، الاصفی فی تفسیر القرآن ، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی ، قم ، چاپ اول ۱۴۱۸ ه ق ، ج ۲ ص ۹۶۱
- ۲۹ - سید هاشم بحرانی ، البرهان فی تفسیر القرآن ، بنیاد بعثت ، تهران ، اول ۱۴۱۶ ه ق ، ج ۴ ص ۳۵۰ : علی ابن ابراهیم : ای ما بررتم به اخوانکم و افرضتموهم لا طمعا فی زیاده
- ۳۰ - ملا فتح الله کاشانی ، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین ، کتابفروشی محمد حسن علمی ، تهران ، ۱۳۳۶ ش ، ج ۷ ص ۱۸۳
- ۳۱ - المیزان فی تفسیر القرآن ج ۹ ص ۳۷۷
- ۳۲ - زبده البیان فی احکام القرآن ، همان ص ۱۸۳
- ۳۳ - حر عاملی ، الفصول المهمه فی اصول الائمه (تکمله الوسائل) ، تصحیح محمد بن محمد حسین قاینی ، موسسه معارف اسلامی امام رضا علیه السلام ، قم ، چاپ اول ۱۴۱۸ ه ق ، ج ۲ ص ۱۲۸
- ۳۴ - محمد بن حسن طوسی ، التبیان فی تفسیر القرآن ، تحقیق احمد قزیر عاملی ، دار احیاء التراث العربی ، بیروت ، ج ۹ ص ۲۵۰
- ۳۵ - سعید بن هبه الله قطب الدین راوندی ، فقه القرآن فی شرح آیات الاحکام ، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی ، قم ، دوم ، ۱۴۰۵ ق ، ج ۱ ص ۲۴۱
- ۳۶ - تبصره المتعلمین ، همان
- ۳۷ - سید روح الله الموسوی الخمینی ، تحریر الوسیله ، ترجمه علی اسلامی ، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم ، قم ، چاپ بیست و یکم ، ۱۴۲۵ ه ق ، ج ۲ ص ۵
- ۳۸ - هوشنگ شامبیانی ، بزهداری اطفال و نوجوانان ، انتشارات مجد ، تهران ، چاپ سیزدهم ۱۳۸۴ ه ش ، ص ۲۳۸
- ۳۹ - توبه ۶۰
- ۴۰ - محمد بن علی استرآبادی ، آیات الاحکام ، مکتبه المعراجی ، تهران ، اول ، ج ۱ ص ۳۴۸ : اللام للاختصاص والاستحقاق فی الجملة لا الملكیه . زبده البیان ص ۱۸۸ . کنز العرفان فی فقه القرآن ج ۱ ص ۲۳۴
- ۴۱ - محمد بن علی بن بابویه قمی ، صدوق ، من لا یحضره الفقیه ، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم ، قم ، چاپ دوم ۱۴۱۳ ق ، ج ۴ ص ۱۱۲
- ۴۲ - جواد بن علی تبریزی ، استفنانات جدید ، قم ، چاپ اول ، ج ۲ ص ۱۴۳ سوال ۶۷۰
- ۴۳ - سید محمد کاظم طباطبایی . عروه الوثقی
- ۴۴ - من لا یحضر ، ج ۳ ص ۱۲۵
- ۴۵ - محمد بن علی بن بابویه قمی ، صدوق ، علل الشرایع ، کتاب فروشی داوری ، قم ، ۱۳۸۵ ش ، ج ۲ ص ۳۶۹
- ۴۶ - الکافی ، همان ، ج ۳ ص ۴۹۸
- ۴۷ - الامثل فی تفسیر کتاب الله المنزل ج ۲ ص ۳۰۸
- ۴۸ - سید محمود طالقانی . پرتوی از قرآن . شرکت سهامی انتشار ، تهران ، چهارم ، ۱۳۶۲ ش ج ۳ ص ۲۳۳
- ۴۹ - قطب الدین راوندی ، فقه القرآن فی شرح آیات الاحکام ، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی ، قم ، چاپ دوم ۱۴۰۵ ه ق ، ج ۱ ص ۲۲۵
- ۵۰ - شیخ عباس قمی ، الغایه القصوی فی ترجمه العروه الوثقی ، منشورات صبح پیروزی ، قم ، اول ، ۱۴۲۳ ق ، ج ۲ ص ۲۲۲

۵۱ - محمد تقی بهجت ، جامع المسائل ، دفتر معظم له، چاپ دوم ، ۱۴۲۶ ق ، ج ۲ ص ۱۱۰

۵۲ - سید محمد مهدی موسوی خلخالی، حاکمیت در اسلام یا ولایت فقیه، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، اول ۱۴۲۲ ق، ص ۶۲۰.

۶۲۴ و ۶۲۵

